گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است.
انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

تحلیل

راهکارهای قانونی جلوگیری و مقابله با ساخت و سازهای غیرمجاز

■ عبدالله صدقی

زلزله از مخوف‌ترین بلایای طبیعی است. ایران در مسیر گسل‌های متعدد قرار دارد و زنگ خطر این پدیده شوم در شهری مثل تهران به صدا درآمده است و هر لحظه ممکن است غول مخوف زمین را بلرزاند و انسان‌های زیادی را به کام مرگ فرو برد و خانواده‌های زیادی را داغدار کند. پس این رویداد ناگوار را باید جدی گرفت.

یکی از راه‌های کم کردن اثرات سوء این بلای ناخوانده، پیشگیری و مقابله با ساخت‌وسازهای غیرمجاز است. مسئولان، رسانه‌ها و صاحبنظران و کارشناسان در مواقع بحران دست به کار می‌شوند یا در رابطه با راهکارهای کاهش خطرات زلزله سخن می‌گویند و کارشناسان از ساخت وسازهای غیرمجاز شکوه می‌کنند و اهمیت نظارت شدید بر این پدیده غیرمجاز را متذکر می‌شوند، اما واقعیت در این خصوص تلخ است، به خصوص در شهرهای بزرگ.

شهر تهران از اهمیت ژئوپلتیکی برخوردار است. این شهر باجمعیتی بیش از ۱۳ میلیون نفر سومین شهر پرجمعیت خاورمیانه و بیست‌ونهمین شهر پرجمعیت جهان است. ایران و به خصوص تهران در معرض زلزله است و هر لحظه ممکن است این حادثه شوم و غیرمترقبه دامن تهران و تهران‌نشینان را بگیرد. شهرداری تهران و سازمان‌های متولی مسکن و شهرسازی در این راستا وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند. علاوه بر خود شهر تهران، در شهرهای اطراف پایتخت نیز شاهد مهاجرت روزافزون هستیم. شهرهای اطراف تهران نظیر کرج، شهریار، شهرقدس، ورامین، ملارد و... سالانه مهاجران زیادی را در خود پذیرا می‌شوند. همزمان با سیل ورود مهاجران از استان‌های کشور، شاهد ورود مهاجران از کشورهای همسایه به خصوص افغانستان به تهران نیز هستیم.

همزمان با گسیل مهاجران زیاد به پایتخت، حومه و حاشیه آن، با تب تقاضا به مسکن نیز روبه‌رو هستیم. ساخت و سازها افزایش می‌یابد و این تب بالا به سودجویان، سودای ساختن سرپناه با کمترین هزینه و بیشترین سود را می‌دهد. قدرت کم خرید مهاجران، تورم، گرانی زمین و مصالح نیز به رشد قارچ‌گونه حاشیه‌نشینی دامن می‌زند و این امر باعث گسترش سازه‌های ناهمگون، بدقواره و ناایمن در حریم، حومه و حاشیه پایتخت و اطراف آن می‌شود. ساخت این نوع از ساختمان‌ها غیراصولی علاوه بر اینکه چهره شهر را زشت می‌کند، تبعات بدتری هم در پی دارد.

سختی خدمات‌رسانی هنگام بروز و ظهور بلایای طبیعی یا شکل‌گیری حوادثی نظیر آتش‌سوزی از جمله ایرادتی است که به این نوع ساخت و سازها گرفته می‌شود، چراکه اگر خدای ناکرده زلزله رخ دهد، کمک‌رسانی ممکن است ساعت‌ها، روزها، هفته‌ها و... به تعویق بیفتد. آن موقع است که از آه، افسوس و دریغ کاری ساخته نیست و حضور نهادهای امنیتی نظیر نیروهای انتظامی هنگام وقوع جرم‌های مشهود را سخت می‌کند. همچنین نهادهای حمایتی نیز به سختی می‌توانند نسبت به شناسایی افراد نیازمند به خدمات اقدام کنند. حال برای مقابله و پیشگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز چه باید کرد؟

۱-جرم‌انگاری ساخت‌وسازهای غیرمجاز: جرائمی نظیر سرقت، خیانت در امانت، ربودن مال دیگری و کلاهبرداری جرائمی هستند که در قانون موضوعه کشور، برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است. ساخت سازه‌هایی ناایمن برای زندگی افراد بدون رعایت موازین و مقررات ساختمانی، در برخی موارد صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره افراد یا جامعه وارد می‌کند. حسب مورد می‌توان در مناطق شهری به خصوص در شهرهای بزرگی نظیر تهران هزینه‌های ساخت‌وساز غیرمجاز را بالا برد و حتی‌الامکان ضمانت‌های اجرایی سنگین، نظیر جریمه‌های سنگین برای سازندگان آن در نظر گرفت. در این راستا نهادهای قانونگذاری باید دست به کار شوند و مجازات‌هایی نظیر جزای نقدی سنگین و حتی ضبط و مصادره ملک مورد ساخت را به عنوان تاوان عملکرد متخلفانه سازندگان در قانون در نظر بگیرند. مشخص است این امر بهترین روش برای مقابله با متخلفان حرفه‌ای است که ابتدا با اخذ پروانه ساخت اقدام می‌کنند و سپس در شروع ساخت یا حین ساخت مرتکب تخلف می‌شوند. به عنوان مثال، شخصی جهت ساخت ملکی در ۳۰۰ متر و در چهار طبقه مجوز اخذ می‌کند و حین ساخت، پارکینگ‌ها را نادیده می‌گیرد یا از مشاعات ساختمان کم می‌کند یا یک طبقه به بنا اضافه می‌کند، همچنین از کیفیت مصالح کم می‌کند. برخی از متخلفان نیز برای ساخت یک برج در یک باغ، مجوز ساخت ۳۰ درصد از باغ را موسوم به باغ آپارتمان اخذ می‌کنند و پس از اخذ پروانه ساخت ۳۰ درصد را به ۴۰ یا ۵۰ درصد افزایش می‌دهند و با تکیه بر این روش‌های متقلبانه سودهای کلانی را به جیب می‌زنند. جرم‌انگاری یا حداقل پیش‌بینی جریمه‌های سنگین می‌تواند یکی از روش‌های جلوگیری از این پدیده باشد.

۲-طبق بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، شهرداری‌ها مرجع صدور مجوز و پروانه ساخت هستند. جلوگیری از ساخت وساز غیرمجاز نیز طبق ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها از وظایف شهرداری در شهرهاست و شهرداری باید در مواقعی که ابنیه‌ای بدون مجوز در حال ساخت است، از ادامه فعالیت متخلفانه آن جلوگیری و نسبت به ارسال پرونده تخلف ساختمانی به کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها اقدام کند. اعضای این کمیسیون حسب مورد به قلع و قمع مستحدثات یا اخذ جریمه و اعاده به حالت پیشین رأی صادر می‌کنند که مرجع رسیدگی به اعتراض آرای آنان نیز کمیسیون‌های دیگر ماده ۱۰۰ این قانون می‌باشند و همچنین دیوان عدالت اداری نیز حسب مورد می‌تواند دستور توقف آرای این کمیسیون‌ها را صادر کند.

۳-در تهران در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر ساخت‌وساز ممنوع است. این امر طبق مصوبات کمیسیون ماده۵ شهرداری‌ها می‌باشد. اگر ساختمانی بدون مجوز در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر ساخته شود، شهرداری می‌تواند رأساً بدون رأی کمیسیون به قلع و قمع بنا اقدام کند.

۴-طبق تبصره ماده ۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران، شهرداری تهران مکلف است ابنیه و تأسیساتی را که بدون پروانه ساختمان و رعایت مفاد این ماده در خارج از محدوده خدمات شهری فعلی تهران احداث می‌شود، از ساخت آن جلوگیری یا آن را تخریب کند؛ به عبارت دیگر شهرداری بدون ارسال پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، نسبت به قلع و قمع مستحدثات، اقدام کند.

علاوه بر موارد فوق، آگاهی‌بخشی به مردم و فرهنگ‌سازی عمومی از طریق رسانه‌ها می‌تواند بیشترین نقش را در پیشگیری از وقوع این تخلفات داشته باشد.

حقوق بشر، کارویژه پوششی اتحادیه اروپا برای جاسوسی و خرابکاری در ایران

وقتی ایران عضو اتحادیه اروپا نیست، چرا باید این اتحادیه در ایران دفتر تأسیس کند؟!

گزارش
نیره ساری

همزمان با آرایش ظاهری ترمیم روابط ایران و کشورهای اروپایی و سروصداهای پیروزی برجام بود که موضوع بازگشایی دفتر اتحادیه اروپا در ایران مطرح شد. همان موقع بود که نمایندگان مجلس و برخی دیگر از مسئولان حتی در بدنه دولت این مسئله را به لحاظ شکلی و ماهیتی غیرمثبت ارزیابی کردند و عقیده داشتند وقتی این ارتباط می‌تواند با تک‌تک کشورهای اروپایی از طریق سفارتخانه‌های موجود در کشور حفظ شود، تأسیس مجموعه‌ای ذیل یک دفتر رسمی «اتحادیه اروپا» در ایران ضرورتی ندارد اما اظهارات چند وقت پیش معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با «فیل هوگان» کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا بود که نشان داد خوابیدن این سروصداها موقتی بوده است. جهانگیری در این دیدار از طی شدن مراحل نهایی برای تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران خبر داد و گفت: «این موضوع در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته است»؛ اظهاراتی که بار دیگر واکنش برخی مسئولان را به دنبال داشت و مصرتر از قبل اعتقاد داشتند تجربه برجام نشان می‌دهد حتی با اعطای امتیازاتی اینچنینی اروپا حاضر به همکاری‌های اقتصادی ویژه‌ای با ایران نیست. در عوض این امکان را برای کشورهای اروپایی فراهم می‌کند که با استفاده از مصونیت و مزایای دیپلماتیک، پوششی وسیع‌تر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های ایران با ارتباط‌گیری با جریان‌های سیاسی و ایجاد اپوزیسیون درون نظام داشته باشند. ظاهراً هم قرار است گرانیگاه دفتر اروپا مسائل حقوق بشری باشد.

اسحاق جهانگیری خطاب به «فیل هوگان» کمیسیونر کشاورزی و توسعه روستایی اتحادیه اروپا موضوعی بیان کرد مبنی بر اینکه همکاری‌های بانکی میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا آنطور که مورد انتظار بوده پیش نرفته است و در این میان ایران را علاقه‌مند به تعمیق همکاری‌های اقتصادی با اتحادیه اروپا نشان داد اما پس از این اظهارات مهم‌ترین سؤالی که ذهن اکثر مخاطبان را به خود مشغول کرد، این بود که تمام کشورهای اروپایی در تهران سفارتخانه دارند. به این واسطه هر شرکتی که بخواهد با ایران به همکاری اقتصادی و تجاری بپردازد از طریق سفارتخانه کشورش می‌تواند اقدام کند. با وجود این تأسیس دفتر اتحادیه اروپا چه ضرورتی دارد؟ یا بهتر است بپرسیم اروپا چه خواب‌هایی برای ایران دیده که تعبیرش را در گرو تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران می‌داند؟

محمدجواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در واکنش به این اظهارات بیان داشت: کشورهای اروپایی در تعامل اقتصادی با ایران منتظر اتحادیه نیستند و همه با ایران دارند کار می‌کنند. مثلاً آلمان منتظر خانم موگرینی نیست؛ این دفتر اقتصادی عمدتاً برای کشورهای آفریقایی و عقب‌افتاده است که بودجه‌هایی را اروپا هر سال می‌گذارد و این بودجه‌ها را مثل خیریه تقسیم می‌کنند و این مربوط به ما نیست، یعنی می‌خواهم بگویم حتی در مورد مسائل اقتصادی هم تشکیل دفتری به اسم دفتر اتحادیه اروپا در تهران کار معقولی نیست اما در مورد حقوق بشر صددرصد مخالف هستیم.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود تأکید کرد: گفته شده این دفتر در تهران باید به طور منظم مانیتور کند که نیروهای سکولار در ایران تحت فشار قرار نگیرند! یا نیروهای سکولار در ایران میدان فعالیت داشته باشند! یا کسانی که در فتنه ۸۸ تحت فشار قرار گرفتند هم از زندان و ممنوعیت‌ها خارج شوند و میدان فعالیت داشته باشند و وضعیت اقلیت‌ها، همجنسگراها و خیلی موضوعات دیگر را دنبال کند. این دفتر با این لیست خیلی مشعشع از مسئولیت‌ها به هیچ وجه در ایران مورد استقبال و خوشامد قرار نخواهد گرفت.

نظر به اهمیت این مهم «جوان» نیز دلایل ایجاد شدن یا نشدن این دفتر را مورد بررسی قرار داده است.

■ نقاط تاریک سوابق اتحادیه اروپا با ایران

اخوان حقوقدان و فعال بین‌المللی حقوق بشر اینگونه توضیح می‌دهد: رابطه جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های بین‌المللی و همچنین سایر کشورهای دنیا بر اساس عزت، مصلحت و حکمت است که همه اینها در پرتو رهنمودهای امام و رهبری قابل تعبیر و تفسیر بوده و نکته حائز اهمیت در این میان روابط سازمان و ارگان‌های بین‌المللی ذی‌مدخل در بحث است.

این حقوقدان عقیده دارد: اتحادیه اروپا درباره جمهوری اسلامی ایران در سوابق خود نقاط بسیار تاریکی دارد که نمونه آن برخورد این مجموعه در واکنش به حکم حضرت امام(ره) و برخورد با سلمان رشدی است. همچنین در بزنگاه‌های مختلف ما برخوردهای غیرمنطقی و مخالف مصالح عالی جمهوری اسلامی ایران از سوی اتحادیه اروپا داشتیم.

اخوان بیان می‌کند: عمدتاً اتحادیه اروپا به عنوان ترمینال امریکا عمل می‌کرده است و در این باره باید خود و استقلال خود را نشان دهد و قبل از هر گونه اقدامی ما باید به این اطمینان برسیم که اتحادیه اروپا می‌تواند به تنهایی و مستقل و خارج از تهدیدها و فشارهای جهانی به خصوص دولت زورگوی امریکا با ما تعامل داشته باشد. تاکنون ما به نقطه مثبتی برخورد نکرده‌ایم و در اینجا یک پروسه اثبات لازم است و به تعبیر سازمان‌های بین‌المللی یک راستی‌آزمایی باید صورت بگیرد. اتحادیه اروپا باید خود را برای جمهوری اسلامی ایران اثبات کند، در غیر این صورت از نظر ما یک ترمینال و بازیچه مطامع امریکا محسوب می‌شود.

> تمامی کشورهای اروپایی مستقلاً در ایران سفارتخانه دارند و طبیعتاً روابط ما با کشورها و دولت‌ها قانوناً و رسماً از طریق سفرا و نمایندگان دولت‌ها پیش می‌رود، بنابراین اتحادیه اروپا یک نهاد داخلی برای کشورهای عضو (اروپایی) است که قاعدتاً وجود دفتر در کشور غیراروپایی همچون ایران موضوعیتی ندارد

وی در ادامه توضیحات خود معتقد است: به طور مشخص در قضایای اخیر می‌بینیم که وقتی رئیس‌جمهور امریکا اعلام موضع علیه جمهوری اسلامی ایران می‌کند، دولت‌های اصلی اتحادیه اروپا از جمله فرانسه و انگلیس نیز در تبعیت از آن موضعگیری می‌کنند یا اینکه در جریان اخیر لبنان وقتی که توطئه عربی، عبری و غربی در خصوص وحدت ملی لبنان با استعفای شبهه‌دار و عجیب سعد حریری مطرح می‌شود، ما می‌بینیم اولین جایی که او را دعوت می‌کند فرانسه است و به محض ملاقات با سعد حریری تماس با رئیس‌جمهور امریکا صورت می‌گیرد و گزارش کار خود را ارائه می‌کند.

این حقوقدان در جمع‌بندی اظهارات خود می‌گوید: ما حق داریم به عنوان ملت ایران به اتحادیه اروپا بدبین باشیم و طبعاً در این رابطه باید تمامی زوایا دیده شود و توصیه اکید ما به همه مسئولان است از روش منبعث از دفاع مقدس که فرهنگ مقاومت است و اثر خود را در جریان آزادسازی دو کشور عراق و سوریه از دست تکفیری‌های داعش گذاشت، عبرت بگیرند و از این روش مترقی با جهان معاصر برخورد کنند.

■ موضوعیت نداشتن تأسیس اتحادیه اروپا در یک کشور غیرعضو

اللهیار ملکشاهی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی دیگر فردی است که در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: با توجه به اینکه تمامی کشورهای اروپایی مستقلاً در ایران سفارتخانه دارند و طبیعتاً روابط ما با کشورها و دولت‌ها قانوناً و رسماً از طریق سفرا و نمایندگان دولت‌ها پیش می‌رود، بنابراین اتحادیه اروپا یک نهاد داخلی برای کشورهای عضو (اروپایی) است که قاعدتاً وجود دفتر در کشور غیراروپایی همچون ایران موضوعیتی ندارد.

وی تأسیس چنین دفتری در ایران را غیرقابل پذیرش خواند و بیان داشت: ما با اتحادیه اروپا در ذیل همین تعریف روابطی نداریم چراکه عضویتی در آن نداریم و تنها ثمره این نهاد برای همان اعضای فعلی خود خواهد بود.

وی با تأکید بر ضروری نبودن تشکیلات یا دفتر مستقل در ایران عقیده دارد نه تنها وجود چنین دفتری ضرورتی ندارد بلکه ممکن است حضور این دفتر، مرکزی برای رد و بدل کردن اخبار غیرصحیح و غیرمستند هم باشد.

داده حقوقی

پلیس فتا منتشر کرد

روش‌های جلوگیری از هک شدن تلگرام

پلیس فضای تبادل و تولید اطلاعات ناجا با تهیه و انتشار اینفوگرافی در خصوص راه‌های جلوگیری از هک شدن تلگرام، به کاربران فضای مجازی اطلاع رسانی کرده است. کاربران با مطالعه این اینفوگرافی و به کاربردن نکات کلیدی - امنیتی آن می‌توانند از هک شدن تلگرام خود پیشگیری کنند.

۱- از ویروسی شدن دستگاه خود جلوگیری کنید.

تا می‌توانید سعی کنید دیوایس خود را از ویروس‌ها پاک نگه دارید. این مسئله نه تنها برای تلگرام بلکه برای امنیت تمام بخش‌های گوشی شما مهم است.

۲- هر لینکی را در تلگرام باز نکنید.

یکی از روش‌های هکرها برای هک یوزر تلگرام استفاده از لینک‌های فِیک برای به دست آوردن اطلاعات شماست. هر لینک و هر تبلیغی را باز نکنید.

۳- کد ۵ رقمی مورد نیاز برای ورود به تلگرام را به هیچ کس ندهید.

کدی که برای شما در هنگام ورود اس ام اس یا به دیوایس دیگری که تلگرامتان روی آن است ارسال می‌شود، مهم‌ترین راه ورود به مسنجر است، پس باید خودتان از آن کد محافظت کنید و به هر کسی ندهید.

۴- برای اکانت خود رمز ورود بگذارید.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که برای امنیت تلگرام خود شما باید انجام دهید این است که رمزی را در هنگام ورود به اپلیکیشن تلگرام در نظر بگیرید. برای فعال کردن این رمز به تنظیمات خود تلگرام رفته، در همان گزینه Privacy and Security به دنبال گزینه Set Passcode بگردید و آن را بزنید.

۵- مرتباً دستگاه‌های وارد شده به تلگرامتان را چک کنید.

در قسمت تنظیمات گوشی به بخش Privacy and Security بروید و گزینه Active Sessions را بزنید. در این بخش تمامی دیوایس‌هایی که با شماره شما در تلگرام هستند به نمایش درخواهد آمد. اگر دیوایسی برای شما ناشناس بود روی آن کلیک کنید و گزینه Terminate یا Close را بزنید تا دسترسی آن از تلگرام شما قطع شود.

۶- برای اکانت خود تأیید دومرحله‌ای را فعال کنید.

با فعال کردن این بخش اگر کسی بخواهد وارد تلگرام شما شود با مرحله دیگری به جز ارسال کد ۵ رقمی با اس ام اس یا... روبه‌رو خواهد شد. شما می‌توانید رمزی خاص در این قسمت به ورودی اضافه کنید که از شخص واردشونده آن رمز را بخواهد.

یادداشت

احسان عباس‌زاده امیرآبادی *

ارکان مشارکت جنایی از نگاه دانش جرم‌شناسی

در حقوق کیفری، ارکان جرم در واقع عناصر و اجزایی هستند که کیان و اساس جرم بر آنها مبتنی است؛ به گونه‌ای که در صورت فقدان آنها، جرم محقق نمی‌شود. نوشتار حاضر به ارکان حقوقی جرم مشارکت جنایی نمی‌پردازد، بلکه در ادامه مکتوبه پیشین، این مقوله را از زاویه دید دانش جرم‌شناسی می‌نگرد و بر همین اساس ارکان آن را استخراج و تحلیل می‌کند. از نگاه دانش جرم‌شناسی، تحقق مشارکت جنایی بر دو رکن استوار است؛ «تعامل با افراد و گروه‌های ناسازگار» و «توان تأثیرگذاری ناسازگاران.»

■ الف) تعامل (میان‌کنش) با افراد یا گروه‌های ناسازگار

مشارکت جنایی بر پایه فعالیت گروهی استوار است. یکی از لوازم اساسی شکل‌گیری فعالیت گروهی، گرایش به کار گروهی و تعامل با افراد و گروه‌هاست. بدین ترتیب برای تحقق مشارکت جنایی نیز ابتدا لازم است مرتکب با افراد و گروه‌های ناسازگار همنشینی کند و با آنان تعامل سازنده و مثبت داشته باشد. بنابراین بررسی چگونگی تعامل شخص با افراد و گروه‌های ناسازگار، نقش بسزایی در ارائه یک تحلیل دقیق جرم‌شناسانه از مشارکت جنایی ایفا می‌کند.

مجرمان به دلایل گوناگون با اطرافیان ناسازگار خویش معاشرت و در رفتارهای خود، به شکل خواسته یا ناخواسته از ایشان پیروی می‌کنند. افراد و گروه‌های ناسازگار پیرامونی، جملگی وضعیت یکسانی ندارند بلکه حداقل به دو دسته متمایز قابل تفکیک هستند. برخی از ایشان به شکل ناخواسته و به واسطه محل زندگی یا ملاحظات خانوادگی، آموزشی و شغلی مجرم با وی پیوند می‌خورند، در حالی که برخی دیگر به انتخاب مجرم و در پی عضویت در یک سازمان جنایی یا شرکت در یک توافق مجرمانه، با وی معاشرت می‌کنند، بدین ترتیب هرچند شکل‌گیری تعامل سازنده و مثبت میان مجرم و اطرافیان ناسازگار، پیش‌شرط تحقق مشارکت جنایی است، با وجود این بسته به نوع و وضعیت افراد و گروه‌های ناسازگار پیرامونی، الگوی تعامل مجرمان با ایشان و همچنین علل گرویدن به آنان و همکاری با ایشان، متفاوت می‌شود.

■ ب) توان تأثیرگذاری ناسازگاران

محتوای برخی نظریه‌های شناخته شده در حوزه جرم‌شناسی، متضمن این مطلب است که صرف تعامل با ناسازگاران، لزوماً به اتخاذ الگوهای مجرمانه رایج در میان ایشان منتهی نمی‌شود. نشانه‌هایی از این برداشت، در نظریات تورستن سلین و هم‌مسلکان وی قابل مشاهده است. هر چند سلین، تعارض فرهنگی را معلول بی‌سازمانی اجتماعی و عامل پیدایش الگوهای تأیید نشده و مجرمانه می‌دانست، با وجود این معتقد بود تعارض فرهنگی، به خودی خود، بروز الگوهای مذکور و تغییرات نرخ بزهکاری را توجیه نمی‌کند بلکه این امر، یعنی بروز الگوهای مجرمانه تا حد زیادی متأثر از عوامل اجتماعی و اقتصادی کلان است.

بعدها کوهن بر اساس مطالعات و تحقیقات خویش به این نتیجه رسید که قشرهای فرودست و اعضای طبقات کارگر ساکن در شهرهای بزرگ، بیش از سایرین، تحت تأثیر بی‌سازمانی اجتماعی قرار گرفته و با ابراز الگوهای مجرمانه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند.

نظریه تقلید تارد نیز می‌تواند بستر مناسبی را برای تحلیل نقش افراد و گروه‌های ناسازگار در فرایند ارتکاب جرم فراهم سازد. اعتقاد شدید وی به نفوذ و تأثیر محیط اجتماعی سبب می‌شود که وی به جای کشش‌های روانی و جسمانی، سفارش‌ها، سرمشق‌ها و تلقینات را عامل گرایش افراد به اعمال ضداجتماعی معرفی کند. تارد روابط اجتماعی را در روابط بین افراد منحصر می‌دانست و معتقد بود معاشرت با دوستان ناباب موجب می‌شود تا فرد در اثر تقلید، به اعمال مجرمانه دست بزند.

ساترلند نیز در نظریه خویش با عنوان معاشرت ترجیحی، تعامل با ناسازگاران را به تنهایی، عامل وقوع جرم تلقی نمی‌کند زیرا به باور وی، بزهکاری معلول کثرت، مدت، اولویت و شدت معاشرت‌ها و نتیجه عدم‌دسترسی به الگوهای غیرمجرمانه است. بدین ترتیب هرچند ساترلند انتقال الگوهای مجرمانه را غالباً در میان اعضای گروه‌های دوستانه و به واسطه محل زندگی یا ملاحظات خانوادگی، آموزشی و شغلی مجرم با وی پیوند می‌خورند، در حالی که برخی دیگر به انتخاب مجرم و در پی عضویت در یک سازمان جنایی یا شرکت در یک توافق مجرمانه، با وی معاشرت می‌کنند، بدین ترتیب هرچند شکل‌گیری تعامل سازنده و مثبت میان مجرم و اطرافیان ناسازگار، پیش‌شرط تحقق مشارکت جنایی است، با وجود این بسته به نوع و وضعیت افراد و گروه‌های ناسازگار پیرامونی، الگوی تعامل مجرمان با ایشان و همچنین علل گرویدن به آنان و همکاری با ایشان، متفاوت می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد قدرت تأثیرگذاری اطرافیان ناسازگار بر مجرم، دومین رکن مشارکت جنایی است. به عبارت دیگر برای تحقق مشارکت جنایی ابتدا لازم است شخص، روحیه کار گروهی داشته باشد، آنگاه از گروه متبوع خویش الگوهای مجرمانه را اخذ و سپس بر اساس الگوهای مذکور و هماهنگ با دستگاه ارزشی آن گروه عمل کند. به رغم اتفاق‌نظر نسبی در خصوص شرط بودن این عامل در همکاری‌های ناخواسته، پاره‌ای از صاحبنظران شرط مذکور را در همکاری‌های سازمان‌یافته معتبر ندانسته‌اند.

در واقع در باب «تأثیر گروه مجرمانه بر بزهکاری»، اندیشمندان به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ پاره‌ای از آنها مدعی‌اند که افراد به ویژه نوجوانان به دلیل ناکامی در زندگی خانوادگی، آموزشی و اجتماعی و اصولاً با هدف کسب جایگاهی مقبول در جامعه و نه اشتغال به فعالیت‌های جنایی به تشکیل باند یا عضویت در آن متمایل می‌شوند. به عبارت دیگر بر اساس رویکردی که در بالا ذکر شد، درگیری در فعالیت‌های جنایی، هدف تشکیل یا پیوستن به باند نیست بلکه پیامد ناخواسته آن است.

در مقابل، دسته دوم که غالباً روانشناس هستند با این تبیین مخالفت کردند و معتقدند باند تأثیری در بزهکاری افراد ندارد. از نظر آنها، افراد به ویژه نوجوانان، حین ورود به سازمان جنایی به لحاظ اجتماعی بی‌تعهد بوده و اساساً به دنبال توسعه غرایز و گرایشات غیراجتماعی خویش هستند و نه کسب ارزش‌های اجتماعی.

بدین ترتیب بر اساس نظریه نخست، یعنی نظریه تسهیل، ساختار سازمانی و همبستگی گروهی نهادینه شده در گروه مجرمانه سازمان‌یافته، امکانات ارتکاب جرم را در اختیار اعضا قرار داده و احتمال درگیری ایشان در وقایع مجرمانه را افزایش می‌دهد. در حالی که در نظریه دوم- تئوری انتخاب یا گزینش- ارتباطی میان بزهکاری و عضویت در سازمان جنایی نیافته است و بر این مطلب تأکید می‌کند که اعضا، قبل از ورود به باند، برای بزهکاری آمادگی کامل دارند و عدم‌عضویت ایشان در باند، به احتمال زیاد، از تبدیل ایشان به مجرمان حرفه‌ای جلوگیری نمی‌کند. با وجود این، عمده مطالعات و تحلیل‌های غربی انجام شده، تأثیر باندها بر رفتارهای مجرمانه اعضای خویش را تأیید کرده‌اند.

برخی از نویسندگان، تأثیر مذکور را بر پایه شکل‌گیری و اهمیت مفهوم «مردانگی» در باند توجیه کرده‌اند زیرا «مرد بودن» اولین فرمان زندگی باندی و مهم‌ترین گام برای ترفیع و کسب اعتماد اعضای باند است. باند، مردانگی را با ضوابطی از قبیل «رازداری مطلق»، «تظاهرات نمادین شجاعت» و «التزام عملی به قانون‌نامه باند» می‌سنجد و با تعریف یک منطقه فرهنگی ویژه، از اعضای خود انتظار دارد تا همواره و در همه حال، صلاحیت خویش را برای بقا یا ارتقا در گروه اثبات نماید.

به عبارت دیگر، حیات یک تشکیلات مجرمانه در گرو گزینش و پذیرش افرادی است که رازدار بوده، به اهداف سازمان ملتزم بوده و روابط خویش را بر اساس مناسبات باندی تنظیم نمایند. بدیهی است در چنین شرایطی، اعضای باندهای تبهکاری به دلیل بیم از طردشدگی و مواجه شدن با نتایج ناخوشایند آن، ناگزیر تمام تلاش خویش را در جهت برآورده ساختن انتظارات باند، ابقای عضویت و حفظ موقعیت تشکیلاتی به کار می‌بندند.

*قاضی دادگستری